

نوشتن در باره فردي که بیش از 6 دهه از عمر خویش را در کوران حوادث سياسي روزگار خویش سر کرده است آنگاه بس دشوار می شود که بخوای تنها يك دهه از زندگی او را توصیف کنی. به ویژه آنکه زندگی این فرد با صیغه تئوریک سخت آمیخته شده باشد. سالهای 1332 تا 1342 سالهای آغاز فعالیت سياسي مهندس عزت الله سحابي محسوب نمی شود. زیرا او از هنگامی که پا به دبیرستان گذاشت فعالیت سياسي خود را آغاز کرده بود. در زمان دانشجویی از عناصر فعال در دانشکده فنی دانشگاه تهران به شمار می رفت و پیش از کودتای 28 مرداد در داخل دانشگاه با گردانندگان نشریه فروغ علم همکاری می کرد. علاوه بر آن او و دوستانش در دوران ملی شدن صنعت نفت از پیروان ثابت قدم نهضت و دکتر مصدق به شمار می رفتند. با این همه با وقوع کودتای آمریکایی - انگلیسی همه چیز بر هم ریخت و دوره جدیدی شروع شد. در این نوشتار فقط به بررسی دوران ده ساله فعالیت مهندس سحابي از بعد از کودتای 28 مرداد تا بازداشت ایشان در بهار 42 می پردازیم.

هنگامی که در عصر روز 28 مرداد در تهران مقر نخست وزیری و خانه دکتر مصدق در حال تاراج و غارت بود عزت الله سحابي 23 ساله که سال قبل از آن از دانشکده فنی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده بود در رابطه با امور انجمن اسلامي دانشجویان و مجله گنج شایگان در همدان به سر می برد؛ پس از بازگشت به تهران با موافقت دوستانش شماره چهارم مجله گنج شایگان را به موضوع کودتا اختصاص داد. در آن شماره گنج شایگان که انتشار آن با ایام عاشورای حسینی مقارن بود مقاله ای با عنوان "در سهایی که ما از نهضت عاشورا و سیدالشهدا می گیریم" به قلم مهندس سحابي به چاپ رسیده بود که در آن مقاله سحابي با تشریح سیر انقلابی حرکت امام حسین(ع) مواضع امام حسین مسایل سياسي روز را به گونه ای در لفافه طرح کرد که به گفته خودش: "خواننده با مطالعه مقاله به خوبی متوجه منظور نظر نویسنده می شد. اساساً در مقالات آن نشریه به شکلی به پرچمدار نهضت اشاره شده بود که در نظر خواننده فقط دکتر مصدق تداعی می شد." گنج شایگان در مدت کوتاهی که منتشر شد زمینه ارتباط میان جوانان تحصیل کرده آن دوران با گرایشات سياسي و مذهبی داشتند فراهم کرد که از جمله آنها می توان به مرحوم دکتر علی شریعتی اشاره کرد. دکتر شریعتی با ارسال مقاله به گنج شایگان با این مجله همکاری می کرد کرد.

انتشار شماره چهارم مجله که مسایل سياسي روز را با دید مذهبی مورد بررسی قرار داده بود با استقبال نیروهای سياسي - مذهبی روبرو شد. چنانکه مرحوم استاد مرتضی مطهری در باره مقالات آن شماره گفته بود: "به نظر من این مطالب برخورد تازه ای با نهضت کربلا است که تا به حال در محافل مذهبی ما سابقه نداشته است. این نوع نگرش به مسایل سياسي جامعه محصول تربیت فکری سحابي و دیگر دست اندر کاران مجله بود که همگی پرورش یافتگان کسانی همچون ابوالحسن فروغی؛ آیت الله طالقانی؛ مهندس بازرگان و یدالله سحابي بودند. نگاه ایدئولوژیک به مسایل سياسي تا آن زمان عمدتاً در انحصار نیروهای چپ بود. در آن دوران در میان نیروهای سياسي که گرایش مذهبی داشتند تنها مرحوم نخب و خادپرستان سوسیالیست بودند که با بینش مذهبی پا به میدان سیاست گذاشته بودند. به گفته مهندس سحابي: "بعد از کودتای 28 مرداد با دستگیری سران جبهه ملی مهندس بازرگان و دکتر سحابي که تا آن زمان از ورود به صحنه سیاست خودداری کرده بودند احساس تکلیف و وظیفه کرده و وارد سیاست شدند و چون گرایش مذهبی و ایدئولوژیک داشتند از همان زمان دین و سیاست را با هم آمیختند و این حرکتی که امروز ما آن را ملی - مذهبی می خوانیم در ایران پا گرفت حرکتی که هم ایده آل های اسلامي و مذهبی و معنوی و اخلاقی دارد و هم برخوردار از ایده آل های ملی و ضد استعماری و آزادی خواهی است." (خاطرات ص 139)

سرمقاله شماره پنجم مجله گنج شایگان با عنوان: "ملت مسلمان ایران مستشار مسیحی نمی خواهد" به چاپ رسید. در آن مقاله که به قلم مهندس سحابي نوشته شده بود حضور آمریکایی ها در ایران و نفوذ سياسي آنها در کشور به نقد کشیده شده بود که بر اثر آن امتیاز نشریه گنج شایگان از سوی رژیم لغو شد. از سوی دیگر با تشکیل نهضت مقاومت و پیوستن بازرگان و دکتر سحابي به آن، مهندس سحابي و تعدادی دیگر از اعضای انجمن اسلامي نیز به همکاری با نهضت مقاومت روی آوردند. سحابي از آن پس یعنی از اوایل پاییز 32 با نهضت مقاومت ملی ارتباط تشکیلاتی پیدا کرد و در زمینه پخش و توزیع نشریه "راه مصدق" به همراه مرحوم احمد توانگر فعال شد که با دستگیری احمد توانگر در دی ماه 32 سحابي به همراه حسین شاه حسینی این کار را ادامه داد. علاوه بر توزیع نشریه "راه مصدق" مهندس سحابي که کارمند بانک ملی ایران نیز بود با کمک مرحوم رحیم عطایی کمیته نهضت مقاومت را در بانک ملی ایران راه اندازی کرد.

با دستگیری چند تن از مسئولین چاپ نشریه راه مصدق، مامورین حکومت نظامی در ظهر يك روز بهاري عزت الله سحابي را در محل كارش دستگیر کردند و سپس براي تفتيش به منزلش رفتند و از آنجا با مداركي كه از آنجا جمع آوري کرده بودند به مقر حکومت نظامی رفتند، جايي كه سروان سياحتگر شکنجه گر معروف در انتظار او نشسته بود. و این سرآغاز بازداشت هايي بود كه تا سال هاي پاياني عمر ادامه يافت. سحابي از اولین بازداشت خود چند نکته را نقل مي كند يكي نيامدن سربازان محافظ به داخل منزل كه به درخواست او صورت گرفته بود و ديگري كشف نامه علي شريعتي به خودش و ديگري از بين بردن يادداشتي كه مهندس دانشپور رابط نهضت مقاومت به او نوشته بود و در صورت كشف آن تمامی ارتباطات تشكيلاتي او نيز لو مي رفت. سحابي در بازجويي تمام مسئوليت نشریه راه مصدق اعم از تهيه و نگارش مقالات ؛ هزینه هاي چاپ و توزيع را يك تنه بر عهده گرفت و علیرغم آزارهايي كه دید از موضع خود عدول نکرد. در همان بازجويي ها هنگامی كه سياحتگر از وي خواست كسانی كه با او در ارتباط بودند را معرفي كند؛ با قرآن استخاره اي كرد و این آیه: "وان جادلوك فقل الله اعلم بما تعلمون" را به سياحتگر نشان داد. به او گفت من از قرآن استخاره كردم كه ببينم این مطلبي را كه شما مي خواهيد بگويم يا نه و قرآن پاسخ دادكه نگو... سياحتگر عصباني شد و با سرهنگ زيبايي مشورت كرد و هر دو به اين نتيجه رسيدندكه: "خير اين آقا آدم نمي شود او را تحويل لشكر دو زرهی بدهيد." (خاطرات ص 180) زندان اول سحابي کوتاه مدت بودو به گفته خودش بستگان مادریش كه با تيمسار بختيار آشنا بودند نزد فرماندار نظامي وساطت او را کردند و او نيز چندي پس از دستگيري آزاد شد. بعد از آزادي تامدت دوماه از رابطه با نهضت مقاومت خودداري كرد. ولي از اواخر تابستان 1333 بارديگر ارتباط او با نهضت مقاومت برقرار شد و اين بار نيز در زمينه چاپ و تكثير نشریه راه مصدق به فعاليت پرداخت. در اين دوره سحابي پس از تكثير نشریات آنها را براي توزيع به دكتور ابراهيم يزدي مي سپرد. در همین احوال و در كنار فعاليت هاي سياسي در اسفند 1333 با خانم زرین دخت عطايي ازدواج كرد ولي كمتر از دوماه پس از ازدواج بود كه بار ديگر در فروردین 1334 بازداشت شدو شب راتا صبح مامورين كلانتری با كتك از میهمان خود پذيرايي كردند و سپس او را تحويل مقامات فرمانداري نظامي و آنها او را به زندان لشكر دو زرهی فرستادند. در آنجا سحابي را با مهندس بازرگان در يك سلول قرار دادند. در همان بدو ورود فخر رمضاني كه عضو حزب توده بود از طريق دريچه سلول آنها را از وجود ميكروفوني كه در داخل سلول تعبیه شده بود آگاه كرد. بعد از باز كردن پريز برق ميكروفون جا سازي شده را پيدا و سيم آن را قطع كردند. (خاطرات ص 185)

این بار سحابي هفت ماه را در زندان گذراند. در آن مدت وي و مهندس بازرگان پيرامون عملکرد نهضت مقاومت به بحث و بررسي نشستند. به گفته خود او بحث بر سر اين بود كه چرا اجتماعات و تشكّل هايي كه در ايران به وجود مي آیند بر خلاف ساير نقاط در ابتدا گسترده هستندولي به مرور زمان كوچك مي شوند و چرا كار گروهی در ايران معمولاً موفق نمي شود. جمع بندي و راه چاره اي كه سرانجام حاصل شد آن بود كه: آنها تصميم گرفتند كه علاوه بر انجمن اسلامي دانشجويان دانشگاه تهران در ساير شهرهايي كه در آنها دانشگاه وجود داشت ؛ انجمن اسلامي دانشجويان را تشكيل دهند. همچنين در ساير صنوف نظير مهندسين و پزشكان و معلمين و بانوان وغيره نيز انجمن اسلامي تشكيل دهند. (خاطرات ص 186) بعد از آزادي از زندان اين تصميم از سوي بازرگان و سحابي پي گيري شد. در همین رابطه جمعيت "مكتب تربيتي اجتماعي عملي" با نام اختصاري "متاع" تشكيل شد. اعضاي اصلي جمعيت مزبور عبارت بودند از: مهندس بازرگان؛ استاد شهيد مرتضي مطهري، مهندس تاج، مهندس كتيرايي، حاج كاظم طرخاني و دكتور كاظم يزدي.

در اين دوره رابطه مهندس سحابي با نهضت مقاومت كاهش يافت و بويژه پس از بازداشت گسترده اعضاي نهضت مقاومت در تهران و مشهد و تعطيل شدن نهضت مقاومت ؛ فعاليت مهندس نيز به ارتباطات فردي با همفكران و دوستان محدود شد. به گفته خود او "در آن دوران در كوران مسايل قرار نداشت" و حتي در جريان تاسيس نهضت آزادي ايران هم قرار نگرفت. (خاطرات ص 227) در خرداد 1340 يك ماه پس از تشكيل نهضت آزادي به دعوت مهندس بازرگان گروهی از اعضاي انجمن اسلامي مهندسين در دفتر انجمن گردهم جمع شدند. در آن جلسه مهندس بازرگان در خصوص تاسيس نهضت آزادي براي حاضرین سخنراني كرد و آنان را دعوت به همكاري با نهضت كرد. بازرگان در آن جلسه گفت قصد نهضت آن است تا به انتظار نيروهاي مذهبي در زمينه سياسي، جامعه عمل بپوشاند. از میان چهل، پنجاه نفر افراد حاضر در آن جلسه تنها مهندس سحابي و مهندس عرب زاده دعوت به همكاري با نهضت را پذيرا شدند. در جريان تشكيل شوراي مركزي نهضت، سحابي و عرب زاده به پيشنهاده مرحوم رحيم عطايي به عضویت شوراي مركزي نهضت انتخاب شدند.

نهضت آزادي ايران در ابتدای تاسيس با يك نوع دوگانگي روبرو بود و نيروهاي آن به دويخش تقسيم مي شدند. گروه اول اعضاي پيشين نهضت مقاومت ملي بودند و گروه دوم را اعضاي انجمن هاي اسلامي تشكيل مي دادند. تعدادي از اعضاي نهضت مقاومت همچون مرحوم رحيم عطايي گرچه شخصا افراي مذهبي و پاييند به موازين ديني بودند ولي موافق سياسي شدن مذهب و يا مذهبي شدن سياست نبودند. به گفته مهندس سحابي: "اين

دوگانگی و اعتقاد متفاوت، ضعف هایی را در درون نهضت موجب شد. "(خاطرات ص 229) علاوه بر مسایل درونی استقبال نیروهای سیاسی و پیوستن تعدادی از اعضای گروهها و احزاب به نهضت و اکثس هایی را در میان احزاب و سازمان های موجود پدید آورد.

در همین دوران مهندس سحابی علاوه بر فعالیت در صحنه سیاسی و عضویت در نهضت آزادی به دعوت رییس دانشکده پلی تکنیک به تدریس در آنجا مشغول شد که تا دستگیری در سال 1342 ادامه داشت.

با روی کار آمدن علی امینی در اردیبهشت 1340 نورالدین الموتی به وزارت دادگستری انتخاب شد و او نیز احمد صدر حاج سیدجوادی را به عنوان دادستان تهران منصوب کرد. در جریان برنامه مبارزه با فساد دولت امینی حاج سید جوادی دستور بازداشت تعدادی از متهمین که عموماً از رجال لشگری و کشوری بودند را صادر کرد. در این دوران سحابی به عنوان کارشناس دادگستری با دادستان همکاری داشت و تعدادی از پرونده های مطرح از جمله پرونده ساختمان مجلس سنا، پرونده کابل کشی تهران، پرونده کارخانه بازرسی ارتش و... رارسیدگی کرد و تا سال 42 به این کار ادامه داد. در این باره وی گفته است: "من تا سال 42 که دستگیر شدم به پرونده های بازرسی ارتش از جمله پرونده کارخانه باتری سازی نیرو و تسلیحات ارتش را رسیدگی می کردم ... یک روز در میان جلسه دادگاه یک حق الزحمه را به من دادند... دو سه روز بعد که برادرم به بانک مراجعه می کند مسئولین بانک از ایشان سوال می کنند که موضوع از چه قرار است و چرا این آقا که در حال محاکمه است از ارتش پول دریافت می کند." (خاطرات ص 232)

همین موضوع همکاری نهضت آزادی با دولت امینی به دستاویزی برای حمله به نهضت تبدیل شد. این در حالی بود که نهضت آزادی فقط در زمینه مبارزه با فساد با دولت امینی همکاری می کرد.

به هر حال دو ماه پس از روی کار آمدن دولت امینی در جریان برگزاری سالروز شهدای قیام 30 تیر در "ابن بابویه" سحابی بار دیگر دستگیر شد، این بار به همراه آیت الله طالقانی و اعضای هیات اجرایی نهضت آزادی و اعضای شورای فعالین جبهه ملی. تعداد بازداشت شدگان به بیش از 100 نفر بالغ می شد که همگی به مهندس بازرگان، دکتر سحابی و دیگران ملحق شدند. سحابی و دیگر بازداشت شدگان به تدریج در طول دوماه از زندان آزاد شدند. چند روز پس از آزادی زندانیان، کنگره نهضت آزادی تشکیل شد. در جریان کنگره انتخابات هیات اجرایی نهضت برگزار شد و مهندس بازرگان، رحیم عطایی، احمد صدر حاج سید جوادی، مهندس رضی، حسام انتظاری؛ عباس شیبانی، عباس رادنی، آسایش و مهندس سحابی به عضویت هیات اجرایی انتخاب شدند. درفاصله این انتخاب تا حوادث خرداد سال 42، تضاد درون حاکمیت و اختلاف نظر میان شاه و آمریکاییها موجب شده بود تا به طور نسبی و محدود امکان فعالیت سیاسی برای نیروهای مخالف رژیم نظیر جبهه ملی و نهضت آزادی فراهم آید. به همین دلیل نهضت آزادی و اعضای آن که در مقایسه با جبهه ملی جوانتر و پرنفس تر می نمودند حداکثر استفاده را از فضای مزبور کردند.

انتشار نشریاتی همچون "با تفسیر و بی تفسیر" و سپس "با حاشیه و بی حاشیه" که موضعی تند علیه رژیم داشت از یک سو موجب افزایش نفوذ نهضت در میان اقشار دانشجویی و جوانان می شد و از سوی دیگر مخالفت هایی را در میان نیروهای سیاسی میانه رو ایجاد می کرد. در این دوران مهندس سحابی که در زمره نیروهای رادیکال محسوب می شد به همراه همفکران خود با شرکت مهندس بازرگان و دکتر سحابی و دیگران در جلسات جبهه ملی مخالفت کرد و طرفدار ترک کنگره جبهه ملی بود.

در همین دوران نهضت آزادی و به ویژه جناح رادیکال آن با ورود روحانیون به صحنه سیاست و به اصطلاح سیاسی شدن روحانیت برخورد فعالی کردند و به استقبال آن رفتند. اقدام به ملاقات با مراجع چهارگانه قم) آیات عظام خمینی، شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی نجفی)، تماس با آیت الله سید هادی میلانی در مشهد افزایش ارتباط با علما و فضایی حوزه علمیه همچون مرحوم مطهری؛ ارسال نشریات نهضت به قم از جمله کارهای نهضت در آن دوره بود.

به دنبال دستگیری سران نهضت آزادی فعالیت و نقش افرادی همچون مهندس سحابی احمد علی بابایی، انتظاری مرحوم آسایش در داخل نهضت افزایش یافت و حتی مرحوم رحیم عطایی هم که چندی بود از فعالیت کناره گرفته بود بار دیگر در داخل نهضت فعال شد. هیات اجرایی نهضت در غیاب سران بازداشت شده خود در شب عید سال 42 اطلاعیه ای منتشر کرد که در ابتدای آن آیه "فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما" نقش بسته بود. در آن اعلامیه با رژیم برخورد تنیدی شده بود. چندی پس از آن در اوایل بهار 42 سحابی و 16 نفر دیگر از فعالین نهضت که شناسایی شده بودند از سوی ساواک دستگیر و روانه زندان قصر شدند و به بازرگان، طالقانی، دکتر سحابی، و سران جبهه ملی، که پیش از آن دستگیر شده بودند ملحق شدند. بازداشت شدگان در درون زندان از واقعه 15 خرداد آگاه نبودند. در این باره مهندس سحابی می نویسد: "روز 15 خرداد از ابتدای صبح صدای تیراندازی می شنیدیم و ما که از همه جا بی خبر بودیم خوشحال بودیم که قیام و انقلاب شروع شده است. از صبح تا عصر گروهی از زندانیان نماز می خواندند، برخی دعا و برخی زیارت عاشورا و دیگران سرود می خواندند. همگی حال عجیبی داشتیم." (خاطرات ص 255)

زندانیان زندان قصرپس از آگاهی از واقعه پانزدهم خرداد در شب جمعه 22 خرداد مراسم شب هفت شهدای قیام را در داخل زندان با سخنرانی مهندس بازرگان و قرائت قطعه شعری در رابطه با قیام برگزار کردند. بعد از آن جلسه به پیشنهاد مرحوم محمد حنیف نژاد و عنایت ربانی قرار شد تا به برگزاری مراسم اکتفا نشده و اطلاعیه ای در تجلیل از قیام 15 خرداد و آیت الله خمینی از سوی زندانیان تهیه شود. متن اطلاعیه از سوی مهندس سبحانی نوشته شد و قرار شد توسط مرحوم دکتر سبحانی که به همراه تعدادی از رهبران جبهه ملی در حال انتقال از زندان قصر به قزل قلعه بودند، به خارج از زندان برده و تکثیر شود. اما به هنگام انتقال زندانیان، اعلامیه مزبور توسط مأمورین کشف شد.

در بخشی از این اعلامیه آمده بود: "باید اذعان کرد که شخص اول مملکت خود عامل و مقصر اصلی این عملیات به شمار می رود زیرا ایشان بودند که پارا جلوتر و فراتر از هر کس دیگر گذاشته و از حدود طبیعی و قانونی خویش خارج شده و بنا به اعترافات مکرر خود به حقوق مردم و قوای مقتنه و قضاییه و مجریه تجاوز علنی کرده" در پایان این اعلامیه توصیه شده بود: "ایرانی بیدار شو به رستاخیز خود ادامه ده و از راه حق و حقیقت منحرف نشو، صبح امید نزدیک است و پایه های کاخ ظلم نزدیک فرویزی است"

کشف آن اعلامیه موجب شد تا اعضای نهضت آزادی برخلاف سایر زندانیان و از جمله رهبران جبهه ملی که به تدریج از زندان آزاد شدند در زندان باقی بمانند و در 23 مهر ماه در دادگاه نظامی محاکمه شوند. در متن کیفرخواست مهندس سبحانی که در دادگاه نظامی توسط دادستان قرائت شد چنین آمده بود: "در مورد متهم ردیف چهار آقای مهندس عزت الله سبحانی... طبق اعتراف صریح او در تحقیقات برگ 53 پرونده انفرادی مسئول و تهیه کننده اصلی نشریات نهضت آزادی از اواخر بهمن 41 بوده است... در تنظیم و تهیه اعلامیه ای که در زندان از آنها به دست آمده شرکت داشته است و دفاع مشارالیه با اینکه هر فرد که دل درگرو عدالت داشت با انتشار حقایق باید وظیفه خود را انجام دهد برای فرار از مجازات بوده..."

رای دادگاه درباره آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، عزت الله سبحانی، عباس شیبانی، احمد علی بابایی، عباس رادنی، مهدی جعفری، ابوالفضل حکیمی، محمد بسته نگار و مصطفی مفیدی از دو تاده سال زندان بود. که سهم عزت الله سبحانی در این میان چهار سال زندان بود.

پس از وقایع سال 42 سمت و سوی حرکت سیاسی در ایران تغییر یافت و لذا هنگامی که مهندس سبحانی در سال 46 از زندان آزاد شد او نیز با حرکت جدید همسو و همگام شد.

چاپ شده در سایت تاریخ ایرانی و روزنامه آرمان 90/3/11